

نشست علمی کارشناسی

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی
دانشگاه تهران

با همکاری
گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
و
انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای
(کارگروه اوراسیای مرکزی)

نشست علمی-کارشناسی

« سیاست روسیه در بحران سوریه »

۳۱ تیر ۱۳۹۹

گزارش کامل

وبینار با حضور

دکتر الهه کولایی

استاد دانشگاه تهران

دکتر مرتضی شجاع

دانش آموخته روابط بین‌الملل دانشگاه تهران



گزارش کامل

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران نشست علمی - کارشناسی با عنوان "سیاست روسیه در بحران سوریه" را با همکاری گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای در روز سه شنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۹ با حضور خانم دکتر الهه کولایی رییس مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی و آقای دکتر مرتضی شجاع دانش‌آموخته روابط بین‌الملل دانشگاه تهران به صورت وینار برگزار کرد.

در ابتدای این نشست خانم دکتر کولایی گفتند: «حضور در خاورمیانه مساله بسیار مهمی در سیاست خارجی اتحاد شوروی بود. سیاست خاورمیانه‌ای این کشور در قالب کلیشه‌ها و چارچوب‌های جنگ سرد تعریف می‌شد. در زمان گورباچف، روس‌ها به همراهی با دولت آمریکا پرداختند و فشار را بر دولت صدام حسین را شدت بخشید. این پدیده متأثر از اجرای سیاست «تفکر جدید» بود. در سیاست تفکر جدید، این تصور به وجود آمده بود که با کنار گذاشتن تفکر کمونیسم ارتودکس، مسیر متفاوتی در روابط شوروی با کشورهای غربی شکل خواهد گرفت. در سالهای آغازین پس از فروپاشی اتحاد شوروی، همین مشی دنبال شد. همچنان تصور می‌شد سیاست روسیه در این منطقه، پیرو روابط روسیه با غرب و به‌ویژه آمریکا است. این روند چندان نپایید. در سال سوم یا چهارم فروپاشی، وقتی که یوگنی پریماکف به عنوان وزیر امور خارجه معرفی شد، روسیه به خاورمیانه برگشت». ایشان در ادامه از آقای دکتر مرتضی شجاع درخواست کردند نقطه نظرها و نتایج طرح پژوهشی خود در این زمینه را طرح کنند.»

در ادامه نشست آقای دکتر شجاع گفتند: «پژوهشی با حمایت مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی با عنوان «رویکرد روسیه در بحران سوریه» با مسئولیت آقای دکتر تخشید انجام شد. چیزی که نظر ما را در این زمینه جلب کرد این بود که چرا روسیه در بحران سوریه تا این سطح مداخله و از دولت اسد حمایت کرد. مداخله روسیه در بحران سوریه ابعاد سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای دارد. در بعد سیاسی، دولت روسیه اقدامهای زیادی را در سازمان ملل انجام داد. حمایت از فرایند آشتی ملی این کشور، شکل‌گیری مذاکرات آستانه، نشست سوچی و مواردی از این نوع، نشانگر تلاش روسیه در حوزه سیاسی با هدف حل بحران سوریه است. روسیه تلاش‌هایی را نیز در حوزه سلاح‌های شیمیایی به انجام رساند.

در حوزه اقتصادی، آمار نشان می‌دهد شاخص‌های اقتصادی سوریه به ۳۷ سال پیش برگشته است. در این شرایط، دولت اسد زیر فشار زیادی بود. روسیه در زمینه نیازهای عمومی، سوخت، فروش نفت سوریه در بازارهای جهانی و حمایت‌های مالی از این کشور، کمک کرد. بعد دیگر حوزه رسانه‌ای است. در این زمینه تلاش شد چهره مخدوشی از مخالفان دولت سوریه ارائه شود. در حوزه نظامی نیز کمک‌های نظامی قابل توجهی به این کشور ارائه شد. مهم‌ترین بعد مداخله دولت روسیه، به بعد نظامی بر می‌گردد که از سپتامبر ۲۰۱۵ انجام شد.

شواهدی وجود دارد که سردار سلیمانی در ترغیب روس‌ها به مداخله نقش داشتند. حال این پرسش مطرح است که چه محرک‌هایی سبب شد مداخله‌ای در این سطح توسط روسیه انجام شود، زیرا بعد از مداخله مستقیم، بسیاری از مناطقی که در اختیار داعش بود در اختیار ارتش روسیه قرار گرفت، تا جایی که تا سال ۲۰۱۸ تمام شایعه‌هایی که در مورد اسد مطرح بود، به حاشیه رفت. بنابراین این مداخله نقش تعیین‌کننده‌ای

در سرنوشت بحران داشت. به نظر ما موقعیت ژئوپلیتیکی سوریه نقش زیادی در این مداخله گسترده داشت.

سوریه در همسایگی ترکیه، عراق و اسرائیل، جایگاه این کشور در اتصال قاره‌ها به هم، اهمیت مدیترانه و حتی نوع نظام سوریه - که سکولار اقتدارگرا و بهترین گزینه برای روسیه است - در این زمینه نقش داشتند. عامل بعدی، مشی سوری‌ها در حمایت از دولت روسیه است. برای نمونه دولت سوریه از اقدام روسیه در بحران گرجستان حمایت کرد. عامل بعدی نیز این که سوریه در بلوک مقاومت قرار گرفت. گرایش روسیه در منطقه نیز توازن‌بخشی است. عامل بعدی برای روسیه، پایگاه‌های نظامی در این کشور است. این عوامل در مجموع به جایگاه سوریه در سیاست روسیه وزن می‌دهد».

ایشان در ادامه افزودند: «بحثی که وجود دارد مفهوم قلمروسازی است که از علوم طبیعی وام گرفته شده است. دولت‌ها مانند حیوان‌ها گرایش دارند برای خود قلمروسازی کنند. روسیه چنین گرایشی را دارد. عامل مهمی که سبب شد روس‌ها در بحران سوریه مداخله جدی داشته باشند، حفظ قلمرو نفوذ آنها بود. اگر ما نگاهی به تحولات ژئوپلیتیکی که از دهه ۱۹۹۰ تا خیزش‌های عربی شکل گرفت بیندازیم، می‌بینیم که در دهه ۱۹۹۰ خلاء قدرت ناشی از فروپاشی شوروی وجود داشت.»

چالش‌های ژئوپلیتیکی روسیه بعد از نفوذ آمریکا به افغانستان و نفوذ به آسیای مرکزی، اشغال عراق و خیزش‌های عربی در مجموع سبب شد قلمرو روسیه هم در کشورهای بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی و هم در خاورمیانه تهدید شود. در جریان بحران لیبی، روس‌ها احساس کردند فریب خوردند و در بحران سوریه رویه فعالی در پیش گرفتند. بنابراین بحران لیبی در خط‌مشی روسیه در بحران سوریه تاثیر جدی داشت.

بحران اکراین نیز تاثیر مشابهی داشت. جایگاه سوریه در استراتژی ژئوپلیتیکی روسیه آنقدر بالا بود که این کشور نمی‌توانست از تحولات آن چشم پوشی کند. بدون سوریه، روسیه جای پای در خاورمیانه نداشت و به یک بازیگر حاشیه‌ای تبدیل می‌شد. بنابراین آنچه سبب این مداخله شد حفظ قلمرو در خاورمیانه بود. به نظر می‌رسد روسیه در این زمینه موفق بوده است.

در مجموع اگر بخواهم سیاست روسیه را در بحران سوریه خلاصه کنیم، نخست، حفظ قلمرو، دوم، آشتی ملی با کمترین هزینه، سوم، مدیریت بحران بوده است. روسیه به گونه‌ای که این حضور کمترین اثر را در روابط آن با دیگر کشورها از جمله آمریکا و اسرائیل و کشورهای عرب بگذارد، سرانجام نابودی گروه‌های تروریستی را مورد توجه قرار داده است.»

در ادامه نشست خانم دکتر کولایی با تشکر از آقای دکتر شجاع گفتند: «روس‌ها در مسأله تروریسم، در دهه ۱۹۹۰ هزینه‌های گزافی را از نوع چچنی پرداخته بودند. آمارهایی که وجود داشت، نشان می‌داد حدود دوهزار نفر از روس تباران به دولت اسلامی داعش پیوسته بودند. این نشان می‌داد مسأله از نگاه روسیه بسیار مهم بوده است. همچنین اقدام‌های روسیه، مبتنی بر موازنه قدرت در منطقه است. روسیه و آمریکا همراه با برخی کشورهای منطقه، جنگ نیابتی را در این منطقه ایجاد کردند. روسیه وارد بازی قدرت در منطقه شد.

این نکته وجود دارد که نگاه خوشبینانه‌ای که برخی در مسکو تصور می‌کردند، پس از فروپاشی اتحاد شوروی می‌توان به نوعی همکاری پایدار با آمریکا دست یافت، با چالش‌های بنیادینی روبه‌رو شد. تحولات لیبی در امتداد زنجیره‌ای از رفتارهای ایالات متحد آمریکا، روس‌ها را به

این باور رساند که آمریکا برای منافع روسیه اعتباری قائل نیست. لیبی آخرین میخ را بر تابوت تصور خوش‌بینانه در مورد آمریکا در روسیه کوبید. همان گونه که پریماکف گفته بود، روسیه باید تمام منابع و ابزارهای خود را در سیاست خارجی‌اش به کار بگیرد. بر این پایه، روسیه همکاری با ایران و حزب‌الله را نیز مورد توجه خود قرار داد.»

در ادامه آقای دکتر شجاع گفتند: «روسیه زمانی وارد سوریه شد که تحریم شده بود و وضعیت اقتصادی بدی داشت. پژوهشگران در کنار عوامل علی، به عوامل تکوینی که همزمان با بحران شکل می‌گیرند، نیز توجه می‌کنند.»

در ادامه نشست پرسش و پاسخ نیز برگزار شد.

آقای کاویانی فر: «چشم انداز حضور ایران و روسیه در سوریه را چگونه می‌بینید.»

آقای دکتر شجاع: «سیاست ایران و روسیه در سوریه با هم همپوشانی ندارد. زمینه‌هایی از همکاری وجود دارد، اما لزوماً منافع این دو کشور با هم همخوانی ندارد. ایران احتمالاً گسترش حضور خود در این کشور را با مانعی به نام روسیه ببیند. ما شاهد چند مورد برخورد بین نیروهای ایران و روسیه هم بوده‌ایم. همچنین روسیه می‌خواهد راه حل صلح را با همکاری اسرائیل و عربستان پیش ببرد. سوم اینکه روسیه تلاش می‌کند این بحران را با در نظر گرفتن منافع اسرائیل و عربستان پیش ببرد، در حالی که ایران ملاحظه‌های دیگری را دارد.»

آقای دکتر حسینی تقی آباد: «مداخله نظامی روسیه در سوریه، چه تاثیری در بحران اوکراین گذاشت؟»

آقای دکتر شجاع: «مداخله نظامی روسیه در بحران سوریه درست چندماه پس از تحولات اوکراین رخ داد. اوکراین برای روسیه اهمیت بسیاری دارد. در فرهنگ روسیه نیز تهدیدهای بزرگ همیشه از غرب می‌آید. از این رو همیشه به تحولات در غرب حساس هستند. روسیه با مداخله در بحران سوریه، توجه‌ها را از اوکراین به سمت سوریه برد».

خانم دکتر کولایی: «باید عملیات نظامی روسیه در سوریه را در متن تحولات سیاست خارجی این کشور تفسیر کرد و درپرتو چگونگی تنظیم رابطه روسیه با جهان به ویژه با آمریکا و اروپا قرارداد. روسیه به‌عنوان بازیگری تاثیرگذار و تعیین‌کننده در تحولات جهانی و به‌عنوان کشوری که منابع لازم برای این نقش را در اختیار دارد، سیاست‌های خود را اجرا می‌کند. از طرفی منافع راهبردی و ملاحظات هویتی آن ایفای چنین نقشی را ایجاب می‌کند. از نظر روس‌ها، روسیه باید چنین نقشی را در منطقه بازی کند. باید به رویارویی با یک‌جانبه‌گرایی برود و آن را متوقف کند. این تکلیفی است که روس‌ها به‌عنوان یک قدرت بزرگ برای خود قایل هستند و تصور می‌کنند در تحولات منطقه و جهان و نیز ایجاد صلح و ثبات باید فعالیت لازم را داشته باشند. روسیه خود را قدرتی هنجارساز می‌بیند. بنابراین از این جایگاه، به حوزه‌های همکاری و تقابل با آمریکا شکل می‌دهد. البته در دوره ترامپ، نگاه کاخ سفید به روسیه تغییر کرد. بنابراین برای تحلیل رفتار مسکو باید هم به مسایل داخلی، هم منطقه و هم سطح نظام بین‌الملل توجه کرد».

در پایان ایشان از آقای دکتر شجاع تشکر کردند.

پایان

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۱۹۸۰۴

نمبر: ۰۲۱۶۶۹۵۳۹۹۶۰-۰۲۱۶۶۴۱۹۷۰۴

پست الکترونیک:

cces@ut.ac.ir

تارنما:

cces.ut.ac.ir

Center for Central Eurasia Studies

Address: Faculty of Law and
Political Science, University of
Tehran, Enghelab Ave, Tehran,
Iran.

Website: irsa.org.ir

Email: cces@ut.ac.ir

Tel No: +982166419704